

# ظهور و انتعاش اعمال و قیامت



## چهره ها و چشمهای گریان و خندان (۲)

سید جواد حسینی

### اشاره

سَبِيلِ اللَّهِ؛<sup>(۱)</sup> تمام چشمها گریان اند، جز سه چشم: چشمی که از خوف خدا گریسته باشد و چشمی که از [دیدن] محارم خدا بسته شود و چشمی که در راه خدا بیدار بوده است.»

پیامبر اعظم ﷺ در دهه سوم ماه مبارک رمضان کاملاً بستر خواب را جمع می کرد و به عبادت می پرداخت.

معصومان دیگر نیز اهل شب زنده داری بودند؛ از جمله در زیارت نامه موسی بن جعفر علیه السلام می خوانیم: «كَانَ يُحْيِي اللَّيْلَ بِالسَّهْرِ إِلَى السَّحْرِ بِمَوَاصِلَةِ الْإِسْتِغْفَارِ حَلِيفِ السَّجْدَةِ الطَّوِيلَةِ وَ الدُّمُوعِ الْغَزِيرَةِ...»<sup>(۲)</sup> او با

در شماره قبل کسانی که در روز قیامت چشمانشان گریان است و همچنین چند مورد از افرادی که چشمان و چهره های خندان در روز جزا دارند را ذکر کردیم و اکنون ادامه آن را پی می گیریم.

### ۶. عبادت و شب زنده داری

چشمی که در راه خدا بیدار باشد، یا برای نگرهبانی در جنگ و جهاد و یا عبادت، اثرش این است که در روز قیامت، شاد و خندان خواهد بود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «وَكُلُّ عَيْنٍ بَاكِئَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا ثَلَاثَ أَعْيُنٍ عَيْنٌ بَكَتْ مِنْ حَشْيَةِ اللَّهِ وَ عَيْنٌ عُضَّتْ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ وَ عَيْنٌ بَاتَتْ سَاهِرَةً فِي

۱. من لا يحضره الفقيه، شیخ صدوق، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۳ ق، ج ۱، ص ۳۱۸.  
۲. مفاتیح الجنان، ص ۷۹۰.



شب زنده داری شبها را تا سحر احیا می داشت با همراهی و وصل استغفار به سجده طولانی و اشکهای سرازیر...»

### عبادت شبانه امام سجاد علیه السلام

اسباط نقل می کند که نیمه شبی داخل مسجد کوفه شدم. پس در تاریکی شب متوجه شدم که جوانی در سجده با خدا، مناجات می کند و در مناجات خود چنین می گوید: «خدایا! صورتم را برای تو بر خاک نهاده ام و سزاوار است که برای تو صورت بر خاک نهیسم.» پس نزدیک رفتم و دیم او علی بن الحسین علیه السلام است. همانجا ماندم و به مناجات او گوش دادم تا وقتی صبح شد، نزد او رفتم و به آن حضرت عرض کردم: «ای فرزند رسول خدا! شما خود را [با این عبادات و سجده ها] در زحمت قرار می دهید؛ در حالی که خدا شما را [به آنچه که خود می دانی] فضیلت داده است.» «ثُمَّ بَكَى ثُمَّ قَالَ حَدَّثَنِى عَمْرُو بْنُ عُمْتَانَ عَنْ أَسَامَةَ بْنِ زَيْدٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كُلُّ عَيْنٍ بَأَكْبَرُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا أَرْبَعَةَ أَعْيُنٍ عَيْنٌ بَكَتْ مِنْ حَشْيَةِ اللَّهِ وَعَيْنٌ فُقِنَتْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَيْنٌ غَضَّتْ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ وَعَيْنٌ بَاتَتْ سَاهِرَةً سَاجِدَةً يَبَاهِي بِهَا اللَّهُ الْمَلَائِكَةَ وَ يَقُولُ انظُرُوا

إِلَى عَبْدِي رُوحُهُ عِنْدِي وَ جَسَدُهُ فِي طَاعَتِي قَدْ جَافَى بَدَنَهُ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونِي خَوْفًا مِنْ عَذَابِي وَ طَمَعًا فِي رَحْمَتِي اِشْهَدُوا أَنِّي قَدْ عَفَوْتُ لَهُ؛<sup>(۱)</sup> سپس حضرت گریه کرد

و فرمود: عمرو بن عثمان از اسامه از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل کرده است که فرمود: تمام چشمها در روز قیامت گریان اند جز چهار چشم: چشمی که از خوف خدا گریسته باشد و چشمی که در راه خدا از حدقه خارج شود و چشمی که از محارم خدا بسته شود و چشمی که در حال بیداری و سجده، شب را صبح کند. خدا به آن چشم نزد ملائکه فخر و مباحات می کند و می گوید: ای ملائکه! به این بنده من نگاه کنید. روح او نزد من است و جسدش در حال اطاعت و بندگی من است، بدنش از بستر خواب فاصله گرفته است و مرا با حال ترس از عذابم و طمع به رحمتم می خواند. شاهد باشید من او را بخشیدم.»

### جوان شب زنده دار

روزی رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پس از ادای نماز صبح، چشمش به چهره جوانی رنگ پریده افتاد که دیدگانش در کاسه سرش فرو رفته و تنش نحیف شده





## نمونه‌هایی از علمای شب

### زنده‌دار

الف. نوّه وحید بهبهانی<sup>۱</sup>

آقا احمد نوّه آیت الله وحید بهبهانی، درباره‌ی دوران طلبگی و ماجراهای زمان تحصیل خود می‌نویسد: «دل را در آن اوقات عجب رأفتی، و سینه را عجب انشراحی بوده و اغلب اوقات تا صبح در مطالعه و نوشتن بودم و اصلاً از آن منزجر نمی‌شدم. اکثر شبهای جمعه را با طلاب در مسجد کوفه به عبادت مشغول بودم و به مسجد سهله و صعصعه و زید و مسجد حنانه و به زیارت قبر کمیل بن زیاد، میثم تمار، مسلم بن عقیل و هانی بن عروه می‌رفتم. هر گاه دل، افسرده می‌شد، به زیارت اهل قبور و مقام صاحب و قبر هود و صالح<sup>علیهم السلام</sup> که در وادی السلام واقع‌اند، می‌رفتم، فوراً نشاط و انبساطی حاصل می‌شد که قلم و زبان از بیان آن عاجز است.»<sup>(۲)</sup>

ب. شیخ مفید<sup>۳</sup>

ابویعلی جعفری، داماد شیخ

بود. پرسید: «کَيْفَ أَصْبَحْتُ؟» چگونه صبح کردی [و حالت چگونه است]؟» گفت: «أَصْبَحْتُ مُوقِنًا؛ در حال یقین صبح کردم.» فرمود: «علامت یقینت چیست؟» عرض کرد: «یقین من است که مرا در اندوه فرو برده و شبهای مرا بیدار [در شب زنده داری] و روزهای مرا تشنه [در حال روزه] قرار داده است و مرا از دنیا و مادیات جدا ساخته است تا آنجا که گویی عرش پروردگار را می‌بینم که برای رسیدن به حساب مردم نصب شده است و مردم محشور شده‌اند و من در میان آنها هستم. گویی هم اکنون اهل بهشت را در بهشت، متنعم و اهل دوزخ را در دوزخ، معذب می‌بینم، گویی هم اکنون با این گوشها آواز حرکت آتش جهنم را می‌شنوم.» رسول اکرم<sup>صلی الله علیه و آله</sup> به اصحاب خود رو کرد و فرمود: «این شخص، بنده‌ای است که خداوند، قلب او را به نور ایمان منور کرده است.» جوان گفت: «دعا کن که خداوند شهادت را روزی من فرماید.» طولی نکشید که غزوه‌ای پیش آمد و جوان در آن شرکت کرد و شهید شد.<sup>(۱)</sup>

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۵۳، باب حقیقه‌الایمان؛ خدمات متقابل اسلام و ایران، استاد مطهری، صدرا، قم، چاپ نهم، ۱۳۵۷ ش، ص ۶۳۹.

۲. ر.ک: وحید بهبهانی، ص ۳۳۹ و سیمای فرزندگان، رضا مختاری، مؤسسه بوستان کتاب، قم، چاپ شانزدهم، ۱۳۸۶ ش، ص ۱۴۵.





و سر انگشت پاها را به خاک می‌سایند و از خداوند آزادی خویش را می‌طلبند. همینها که چنین شب زنده‌داری می‌کنند و روحشان به دنیای دیگر پیوسته است، روزها مردانی هستند اجتماعی، بردبار، دانا، نیک و پارسا»<sup>(۲)</sup>

### ۷. چشمی که بر مصائب

#### حسین علیه السلام گریسته

چشمی که در مصائب اهل بیت علیهم السلام به ویژه امام حسین علیه السلام و یاران او اشک ریخته باشد، در قیامت شاد خواهد بود.

در روایت آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دخترش فاطمه علیها السلام خبر شهادت فرزندش (حسین علیه السلام) را داد. فاطمه، به شدت گریست و عرض کرد: «ای پدرجان! در چه زمانی این اتفاق واقع می‌شود؟» حضرت فرمود: «در زمانی که من و تو و پدرش علی علیه السلام در دنیا نیستیم.» آن گاه فاطمه علیها السلام بیش تر و شدیدتر گریست و عرض کرد: «پس چه کسانی بر مصیبت‌های او در کربلا گریه می‌کنند؟ و چه کسی برای او اقامه عزای می‌کند؟» پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: «يَا فَاطِمَةُ!

۲. سیری در نهج البلاغه، مرتضی مطهری، صدرا، قم، بی تا، ص ۹۲.

مفید و یکی از شاگردان او در وصفش می‌گوید: «شبهها جز اندکی نمی‌خوابید و باقی را به نماز یا مطالعه یا تدریس و یا تلاوت قرآن مجید می‌گذرانید. آری، این بزرگواران، مصداق بارز سخن حضرت امیر مؤمنان علیه السلام هستند؛ آنجا که فرمود: «أَمَّا اللَّيْلُ فَصَافُونَ أَقْدَامَهُمْ تَالِينَ لِأَجْزَاءِ الْقُرْآنِ يُرْتَلُونَ تَرْتِيلًا يُحْزَنُونَ بِهِنَّ أَنْفُسُهُمْ وَيَسْتَبِيرُونَ بِهِنَّ دَوَاءَ دَانِهِمْ...»<sup>(۱)</sup> شبها پاهای خود را برای عبادت جفت می‌کنند، آیات قرآن را به آرامی و شمرده شمرده تلاوت می‌کنند. با [زمزمه] آن آیات [و دقت در معنای آنها]، غمی عارفانه در دل خود ایجاد می‌کنند و دوی دردهای خویش را بدین وسیله ظاهر می‌سازند. ...» و حضرت ادامه می‌دهد: «آنان هر چه از زبان قرآن می‌شنوند، مثل این است که به چشم می‌بینند. هر گاه به آیه ای از آیات رحمت می‌رسند، بدان طمع می‌بندند و قلبشان از شوق، لبریز می‌شود و چنین می‌نماید که نصب العین آنهاست و آهنگ بالا و پایین رفتن شعله‌های جهنم به گوششان می‌رسد. کمرها را به عبادت خم کرده، پیشانیها و کف دستها و زانوهای

۱. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۱۹۳، معروف به خطبه همام، ص ۴۰۲.



مذکور است که بزرگان علمای ماسخت به عزاداری امام حسین علیه السلام پایبند بوده‌اند. اکنون به این موارد توجه شود:

#### ۱. علامه امینی

از ویژگی‌های علامه امینی صاحب الغدیر، عشق و ولای کامل او به آل محمد علیهم السلام بود؛ عشقی زبانه‌زاد و مشهور که می‌توان گفت الغدیر نیز اثری از آثار این عشق بیکران است. وی توجه ویژه‌ای به شنیدن و تأمل در مصائب حضرت امام حسین علیه السلام و اصحاب او داشت. او با صدای بلند بر مصائب آل محمد علیهم السلام می‌گریست و بسیار اتفاق می‌افتاد که اهل منبر و نوحه‌خوانان و دیگر حاضران و مستمعان، از مشاهده انقلاب حال او به هنگام ذکر مصیبت، متقلب می‌شدند و مانند خود ایشان دردمندانه می‌گریستند. در هر محفلی که آن بزرگوار بود و مصائب آل محمد علیهم السلام گفته می‌شد، گویی یکی از آل محمد علیهم السلام در آن محفل حاضر است. این حالت، هنگامی بیش تر اوج می‌گرفت که گوینده مصیبت به نام بانوی کبرا حضرت فاطمه زهرا علیها السلام می‌رسید. اینجا بود که خون در رگهای پیشانی او متراکم و گونه‌هایش فروخته می‌شد و مانند کسی که از ظلم

إِنَّ نِسَاءً أُمَّتِي يَتُكُونَنَّ عَلَى نِسَاءِ أَهْلِ بَيْتِي وَ رِجَالَهُمْ يَتُكُونَنَّ عَلَى رِجَالِ أَهْلِ بَيْتِي وَ يُجَدُّوْنَ الْفِرَاءَ جِبَالًا بَعْدَ جِبَلٍ فِي كُلِّ سَنَةٍ فَإِذَا كَانَ الْقِيَامَةُ تَسْمَعِينَ أَنْتِ لِلنِّسَاءِ وَ أَنَا أَشْفَعُ لِلرِّجَالِ وَ كُلُّ مَنْ بَكَى مِنْهُمْ عَلَى مُصَابِ الْحُسَيْنِ أَخَذْنَا بِيَدِهِ وَ أَدَخَلْنَاهُ الْجَنَّةَ يَا فَاطِمَةُ كُلُّ عَيْنٍ بَاكِئَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا عَيْنِي بَكَتْ عَلَى مُصَابِ الْحُسَيْنِ فَإِنَّهَا صَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ بِنَعِيمِ الْجَنَّةِ؛<sup>(۱)</sup> ای فاطمه! به راستی زنان امت من، برای زنان اهل بیت من گریه می‌کنند و مردان امت من، برای مردان اهل بیت من می‌گریند و هر سال نسل اندر نسل، عزاداری را تجدید می‌کنند. وقتی روز قیامت شد، تو برای زنان شفاعت می‌کنی و من برای مردان [امت] شفاعت می‌کنم و هر کسی که برای مصیبت‌های حسین علیه السلام گریه کرده باشد، دستش را می‌گیریم و او را داخل بهشت می‌کنیم. ای فاطمه! هر چشمی روز قیامت گریان است؛ مگر چشمی که بر مصیبت‌های حسین علیه السلام گریه کرده باشد. این چشم [در روز قیامت] خندان و شاد [و] بشارت داده شده به نعمت‌های بهشت است.»

#### نمونه‌ای از عزاداران

به سبب عظمت، ثواب و پاداش

۱. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۹۲.



در دسته‌های سینه زنی و عزاداری ابا عبدالله علیه السلام شرکت می‌کرد و به سان مردم عادی در عزای آن حضرت بر سر و سینه می‌زد. هنگامی که یکی از نزدیکانش دلیل این توجه و توسل و شیفتگی فوق‌العاده را می‌پرسد، در جواب می‌گوید: «من هر چه دارم از آن حضرت دارم» و سپس ماجرای نجات یافتن خود از مرگ را با شفاعت آن حضرت، شرح می‌دهد.

نمونه‌هایی در روایات دیده می‌شود که هر چند صراحت ندارد که صاحبان این اعمال در قیامت خندان‌اند؛ ولی از تقابل بین گروهی که گریان‌اند، می‌شود استشمام کرد که اینها باید شاد باشند.<sup>(۳)</sup>

### گریه از خوف خدا

هر کس در این دنیا از خوف عظمت الهی و یا عذاب شدید قیامت گریه کرده باشد، در روز قیامت، خندان خواهد بود.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «كُلُّ عَيْنٍ بَاكِئَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا ثَلَاثَةً أَعْيُنٌ عَيْنٌ بَكَتْ

۳. گنجینه دانشمندان، ج ۱، ص ۳۰۲ و سیمای فرزندگان، ص ۱۵۵.

بر ناموسش، در برابرش سخن گویند، از چشمانش همراه اشک بی‌امان، شعله آتش بیرون می‌زد.»<sup>(۱)</sup>

### ۲. آخوند در بندی

در سرگذشت آخوند در بندی علیه السلام از شاگردان شریف العلماء، استاد شیخ انصاری، نوشته‌اند: «وی در اقامه مصیبت حضرت سید الشهداء اهتمامی فراوان داشت و بر آن مواظبت می‌کرد. در این امر به گونه‌ای بود که گاهی بالای منبر از شدت گریه غش می‌کرد و در روز عاشورا، لباسهای خود را از بدن در می‌آورد و پارچه‌ای به خود می‌بست و خاک بر سر می‌ریخت و گل به بدن می‌مالید و با همان شکل و صورت، بر منبر می‌رفت و روضه خوانی می‌کرد.»<sup>(۲)</sup>

۳. آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری آن مرد بزرگ، دستور می‌داد، قبل از تدریس قدری مصیبت حضرت سید الشهداء را بخوانند و سپس درس را شروع می‌کرد. آیت الله حائری، حتی پس از رسیدن به مرجعیت، در خیابانها

۱. حماسه غدیر، ص ۲۹۸ و سیمای فرزندگان، ص ۱۵۲.

۲. قصص العلماء، ص ۱۰۹ و سیمای فرزندگان، ص ۱۵۳.





می پنداشت که تازه از بستر بیماری برخاسته است.<sup>(۳)</sup>

اینان مصداق سخن مولای موحدان امیر مؤمنان علی علیه السلام هستند که فرمود: «قَدْ بَرَّاهُمْ الْخَوْفُ بَرَى الْقِدَاحِ يُنْظَرُ إِلَيْهِمُ النَّاطِرُ فَيَحْسَبُهُمْ مَرَضَى وَ مَا بِالْقَوْمِ مِنْ مَرَضٍ وَ يَقُولُ قَدْ خُوِلُطُوا...!»<sup>(۴)</sup> بیم خداوند متعال، آنان را به سان پیکانهای باریکی که تراشیده شده لاغر و نحیف کرده است. کسی که آنان را می بیند خیال می کند که بیمارند، در حالی که بیماری ندارند [و ترس از جهنم آنان را لاغر کرده است] و می گوید: اینان دیوانه شده اند....»

#### ۵. شیخ جعفر کاشف الغطاء

شهید محراب مولا محمد تقی برغانی قزوینی علیه السلام درباره او می گوید: «روزی مرحوم شیخ کاشف الغطاء وارد قزوین شد و در منزل یکی از بزرگان رحل اقامت افکند. در آن منزل باغی بود که همه در آن خوابیدند و من هم در گوشه ای از آن باغ خوابیدم. چون پاسی از شب گذشت، ناگهان صدایی

۳. قصص العلماء، میرزا محمد تنکابنی، علمیه

اسلامیه، تهران، بی تا، ص ۱۲۳.

۴. نهج البلاغه، ترجمه دشتی، خطبه هفتم، شماره

۱۹۳، ص ۲۸۶۰۷.

مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ...»<sup>(۱)</sup> همه چشمها در روز قیامت گریان اند، جز سه چشم، [یکی از آنها] چشمی است که از ترس خدا گریسته است.»

از تقابل دیدگان گریان و خندان، می شود فهمید که این چشمها شاد هستند. در حدیثی که از امام حسین علیه السلام نقل شده است، می توان تأییدی بر این نکته دید؛ آنجا که به او گفته شد: «مَا أَعْظَمَ خَوْفَكَ مِنْ رَبِّكَ قَالَ لَا يَأْمَنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا مَنْ خَافَ اللَّهَ فِي الدُّنْيَا»<sup>(۲)</sup> چقدر ترس شما از پروردگارت بزرگ [و زیاد] است؟ فرمود: روز قیامت ایمن نیست، مگر کسی که در دنیا از خدا ترسیده باشد.»

#### ۴. مولا محمد اشرفی

مرحوم مولا محمد اشرفی، از شاگردان سعید العلماء، از نیمه های شب تا صبح مشغول تضرع و زاری و مناجات با حضرت باری - جل و علا - بود و آن قدر بر سر و سینه می زد که هنگام صبح در ضعف و نفاقت بود؛ به گونه ای که هر کس او را می دید

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۸۰؛ ح ۲؛ الفقیه، ج ۱،

ص ۳۱۸؛ وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۷۵؛ ح ۸۷۷

۲. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۲.





### چشم پوشی از نامحرم

در ادامه حدیث پیش چنین آمده است: «كُلُّ عَيْنٍ بَاكِئَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا ثَلَاثَةً أَغْنَيْنِ ... عَيْنٌ غَضَّتْ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ...»<sup>(۴)</sup> تمام چشمها گریان است، جز سه چشم (که شاد و خندانند)، چشمی که از آنچه خدا حرام کرده است، فرو بسته شده است (و به نامحرم نگاه نکرده است).

از تقابل با چشمهای گریان استفاده می شود آنان که چشم از نامحرم فرو بسته اند، شاد و خندانند.

### مراقبت از چشم

ملاً عباس تربتی در حین راه برای جمع بودن حواس و حفظ حالت حضور، فقط جلو پایش را نگاه می کرد. خودش به فرزندش گفته بود: «پیش از آنکه با مادرت ازدواج کنم، نام دختری را در کاریزک (یکی از روستاهای اطراف تربت حیدریه) برای من برده بودند که ازدواج با او سر نگرفت و من هرگاه از کوچه آنها می گذشتم [در طی سالها] حتی [یک بار] به در خانه آنها نگاه نکردم.»<sup>(۵)</sup>

به گوشم خورد به دنبال آن روانه شدم، دیدم جناب شیخ جعفر به تضرع و گریه و مناجات مشغول است. صدای ایشان چنان در من اثر گذاشت که از آن شب تاکنون که بیست و پنج سال می گذرد، هر شب بر می خیزم و به مناجات مشغول می شوم.»<sup>(۱)</sup>

### ۶. میرزا جواد ملکی تبریزی

مرحوم ملکی رحمته شبها که برای تهجد به پا می خاست، ابتدا در بسترش صدا به گریه بلند می کرد. بعد بیرون می آمد و نگاه به آسمان می کرد و آیات «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...»<sup>(۲)</sup> را می خواند. آن گاه سر به دیوار می گذاشت و مدتی می گریست و پس از تطهیر نیز کنار حوض پیش از وضو می نشست و می گریست و خلاصه از هنگام بیدار شدن تا آمدن به محل نماز و خواندن نماز شب، چند جا می نشست و بر می خاست و [از خوف خدا] گریه سر می داد و چون به مصلاش می رسید، حالش قابل وصف نبود.<sup>(۳)</sup>

۱. قصص العلماء، ص ۱۹۳ و سیمای فرزندگان،

ص ۱۸۸ و ۱۸۹ با تلخیص.

۲. آل عمران/ ۱۹۰ - ۱۹۴.

۳. لقاء الله، ملکی تبریزی، ترجمه سید احمد فهری، نهضت زنان، تهران، ص ۱۲۸ پاورقی و

سیمای فرزندگان، ص ۱۸۴.

۴. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۷۵.

۵. فضیلتهای فراموش شده، حسین علی راشد،

سوم، ۱۳۷۱ ش، ص ۱۴۸.

